

« لایحه جامع وکالت و مشاوره حقوقی »

مقدمه

ماده ۱- در اجرای اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند (۱۳) سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی، کانون وکلای دادگستری به شرح مواد آتی تشکیل می‌شود.

ماده ۲- وکالت دادگستری عبارت است از نیابت و نمایندگی امور حقوقی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی در مراجع قضایی در محدوده امور محوله برای مطالبه و دفاع از حقوق موکل توسط کسانی که مطابق مقررات این قانون برای آنان پروانه وکالت صادر می‌شود.

تبصره- کسانی که تا تصویب این قانون از کانون‌های وکلای دادگستری یا مرکز امور مشاوران حقوقی وکلا و کارشناسان قوه قضاییه پروانه وکالت دریافت نموده‌اند، وکیل دادگستری محسوب و مشمول مقررات این قانون می‌باشند. همچنین، کلیه کارآموزان و پذیرفته‌شدگان در آزمون‌های ورودی مرکز وکانون مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

ماده ۳- وکلای دادگستری علاوه بر وکالت در مراجع قضایی می‌توانند با رعایت این قانون در مراجع اختصاصی غیر قضایی و شبه قضایی و نهادهای داوری نیز به وکالت بپردازند.

تبصره ۱- وکالت وکلای دادگستری در مراجع انتظامی و اداری و امثال آنها در حدودی که عرفاً جزء لوازم و مقدمات مطالبه حقوق و دفاع از موکل و حقوق وی محسوب می‌شود، مجاز است.

تبصره ۲- وکلای دادگستری می‌توانند در امور مدنی نیز وکالت نمایند.

فصل اول - تشکیلات

مبحث اول - کانون‌های استانی وکلای دادگستری

ماده ۴- کانون وکلای دادگستری استان موسسه‌ای است دارای شخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی که در مرکز هر استان تشکیل می‌شود که از این پس در این قانون « کانون » نامیده می‌شود.

ماده ۵- وظایف و اختیارات کانون عبارت است از:

۱- برگزاری دوره‌های کارآموزی و اعطای پروانه کارآموزی و وکالت به داوطلبین واجد شرایط قانونی؛

۲- اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال حرفه‌ای کارآموزان و وکلا؛

۳- درخواست تعقیب و رسیدگی به تخلفات انتظامی کارآموزان و وکلا؛

۴- برنامه ریزی و انجام تمهیدات لازم برای ارایه معاضدت قضایی از سوی وکلا؛

۵- برنامه‌ریزی در جهت ارتقای سطح علمی و عملی کارآموزان و وکلا و برگزاری دوره‌های آموزشی؛

۶- انتشار نشریات حقوقی؛

۷- انجام سایر امور مقرر در قوانین و مقررات.

ماده ۶- کانون از ارکان زیر تشکیل می‌شود:

۱- مجمع عمومی؛

۲- هیأت مدیره؛

۳- بازرسان؛

۴- دادر و دادگاه انتظامی وکلا.

ماده ۷- منابع مالی کانون عبارتند از:

۱- حق عضویت سالانه وکلا؛

۲- معادل یک چهارم تمبر الصاقی به وکالتنامه که باید توسط وکلا و کارآموزان هم زمان به حساب

کانون وکلای مربوط پرداخت گردد؛

۳- وجوه حاصل از فروش کتب و نشریات و ارائه خدمات علمی، فرهنگی و آموزشی؛

۴- هدایا و کمک‌های اشخاص و اموال و درآمدهای ناشی از وصایا و موقوفات.

تبصره - حق الزحمه وکلای تسخیری و معاضدتی بر اساس قانون بودجه سالانه کل کشور پیش بینی و از طریق کانون به آنان پرداخت می گردد.

ماده ۸ - مقررات مالی کانون های استانی از جمله سال مالی، چگونگی تنظیم و تصویب صورت ها و گزارش مالی و مراجع تصویب آن و بودجه کانون های یادشده، بازرسی ماموران در آیین نامه ای که از طریق شورای عالی وکالت تهیه و به تصویب وزیر دادگستری می رسد تعیین خواهد شد.

الف - مجمع عمومی

ماده ۹ - مجمع عمومی کانون از وکلای عضو همان کانون که پروانه وکالت آنان دارای اعتبار بوده و در حال تعلیق نباشند، تشکیل می شود و دارای وظایف زیر است:

۱- انتخاب اعضای هیأت مدیره و بازرس و یا بازرسان؛

۲- بررسی و تصویب برنامه های پیشنهادی هیأت مدیره؛

۳- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی و دعوتنامه های کانون؛

۴- بررسی گزارش سالیانه عملکرد کانون و اتخاذ تصمیم درباره آن پس از استماع گزارش بازرسان؛

۵- رسیدگی و تصویب بودجه و صورت های مالی کانون و ترازنامه و حساب سود و زیان به پیشنهاد هیأت مدیره؛

۶- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به سایر موارد پیشنهادی که در محدوده وظایف کانون توسط هیأت مدیره در دستور جلسه قرار گیرد.

ماده ۱۰ - نصاب تشکیل جلسات مجمع عمومی عادی در جلسه اول با حضور بیش از نصف اعضای دارای حق رای و در صورت عدم تشکیل جلسه، بار دوم با هر عده رسمیت می یابد. مصوبات مجمع همواره با آرای بیش از نصف حاضرین معتبر خواهد بود و صرفاً در مورد انتخاب هیأت مدیره و بازرسان اکثریت نسبی ملاک می باشد.

ب- هیأت مدیره

ماده ۱۱- وکلایی که علاوه بر شرایط عمومی وکالت واجد شرایط ذیل باشند می‌توانند داوطلب عضویت در هیأت مدیره یا بازرس کانون شوند:

۱- داشتن حداقل ده سال سابقه وکالت یا قضاوت؛

۲- عدم محکومیت قطعی انتظامی درجه ۳ و بالاتر؛

۳- داشتن حداقل سی سال سن؛

۴- التزام عملی به دین مبین اسلام و نداشتن سوء شهرت.

ماده ۱۲- تعداد اعضای هیأت مدیره برای کانون‌های تا هزار نفر وکیل دارای حق رأی، پنج عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل و برای کانون‌های بیش از هزار تا پنج هزار نفر، هفت عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل و برای کانون‌های بالاتر از پنج هزار نفر، نه عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل خواهد بود.

ماده ۱۳- اعضای هیأت مدیره کانون وکلای هر استان برای سه سال با رأی مخفی اکثریت نسبی اعضای مجمع عمومی کانون انتخاب می‌شوند. اعضا نمی‌توانند برای بیش از دو دوره در هیأت مدیره عضویت داشته باشند.

تبصره- بقای عضویت در هیأت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در مدت عضویت در همان استان باشد.

ماده ۱۴- اعضای هیأت مدیره از میان خود یک نفر را به عنوان رییس، دو نایب رییس و یک منشی به طور کتبی و با رأی مخفی انتخاب می‌کنند. هر یک از نواب رییس که بیشترین رأی را به دست آورد، نایب رییس اول خواهد بود.

تبصره- در صورت تساوی آراء برای انتخاب رییس هیأت مدیره، اولویت با فردی است که مجموع سابقه وکالت و قضاوت او بیشتر باشد.

ماده ۱۵- جلسات هیأت مدیره در کانون‌های پنج نفره، هفت نفره و نه نفره به ترتیب با حضور چهار، پنج و هفت نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد و مصوبات با اکثریت بیش از نصف آراء حاضران اتخاذ می‌شود.

ماده ۱۶- عضویت اعضای هیأت مدیره و بازرسان در موارد زیر زایل می‌شود:

۱- فوت؛

۲- حجر؛

۳- محکومیت کیفری موثر و محکومیت درجه ۳ و بالاتر؛

۴- هشت جلسه غیبت بدون عذر موجه متوالی یا چهارده جلسه غیبت بدون عذر موجه متناوب در هیأت مدیره ظرف یکسال، بنا به تشخیص هیأت مدیره؛

۵- استعفا پس از تصویب هیأت مدیره (در مورد عضو هیأت مدیره) و تصویب مجمع عمومی (در مورد بازرسان)؛

۶- رأی قطعی مبنی بر عدم صلاحیت، توسط دادگاه انتظامی وکلا.

تبصره ۱- غیبت بیش از شش ماه به منزله استعفاء است.

تبصره ۲- جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود:

۱- نرسیدن دعوتنامه یا دیر رسیدن به گونه‌ای که مانع از حضور در وقت مقرر شود؛

۲- مرضی که مانع از حرکت است؛

۳- فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم؛

۴- ابتلا به حوادث مهم از قبیل حریق و امثال آن؛

۵- عدم امکان تردد به واسطه حوادث قهری مانند طغیان رودخانه و امراض مسری از قبیل وبا و طاعون؛

۶- در توقیف بودن.

ماده ۱۷- در صورت زوال عضویت هر یک از اعضای هیأت مدیره یا سمت هر یک از بازرسان، عضو یا بازرس علی‌البدل به ترتیب تعداد رأی، جایگزین وی می‌شود. در صورت عدم وجود عضو علی‌البدل، جایگزین آنان برای باقیمانده مدت با برگزاری انتخابات تعیین می‌شود.

تبصره- اعضای علی‌البدل در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌نمایند و در صورت غیبت عضو اصلی عضو علی‌البدل که بیشترین رأی را داشته است حق رأی خواهد داشت.

ماده ۱۸- وظایف و اختیارات هیأت مدیره به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- اجرای مصوبات مجمع عمومی و امور ارجاعی؛
- ۲- بررسی و تصویب بودجه سالانه و ارایه آن به مجمع عمومی جهت تصویب نهایی؛
- ۳- بررسی و تصویب صورت‌های مالی جهت ارایه به مجمع عمومی و بازرس قانونی؛
- ۴- اتخاذ تصمیم در خصوص انعقاد هر نوع قرارداد از جمله خرید و فروش و معاوضه اموال منقول و غیرمنقول کانون، تغییر، تبدیل، فسخ و اقاله آنها با اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛
- ۵- اتخاذ تصمیم در خصوص افتتاح و مسدود کردن حساب نزد بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری و استفاده از آن به نام کانون؛
- ۶- ارجاع دعاوی و اختلافات به داوری و صلح دعاوی؛
- ۷- اتخاذ تصمیم راجع به کلیه اموری که توسط رییس کانون در محدوده اختیارات خود پیشنهاد می‌شود؛
- ۸- بررسی و تصویب گزارش‌های سالیانه کانون جهت ارایه به مجمع عمومی؛
- ۹- تصویب استخدام کارکنان؛
- ۱۰- اعلام تخلف به دادسرای انتظامی در صورت اطلاع از وقوع تخلف وکیل یا کارآموز؛

۱۱- اجرای سایر وظایف و اختیاراتی که در این قانون و سایر قوانین و مقررات برای هیأت مدیره پیش‌بینی شده است؛

۱۲- سایر اختیارات، وظایف و مسؤولیت‌هایی که در این قانون و سایر قوانین و مقررات به صراحت در زمره وظایف و اختیارات سایر ارکان کانون قرار داده نشده است.

ماده ۱۹- هیأت مدیره می‌تواند برخی از وظایف و اختیارات خود را به رییس کانون یا یک یا چند نفر از اعضای هیأت مدیره تفویض نماید. این امر نافی مسؤولیت هیأت مدیره نخواهد بود.

ماده ۲۰- رییس هیأت مدیره، ریاست کانون را بر عهده دارد و وظایف و اختیارات وی به شرح زیر است:

۱- اجرای تصمیمات مجمع عمومی و هیأت مدیره؛

۲- اداره امور کانون در چارچوب قوانین و مقررات مربوط؛

۳- عزل و نصب کارکنان و مدیران کانون با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛

۴- نمایندگی کانون در مقابل اشخاص حقیقی یا حقوقی از جمله مراجع قضایی با حق توکیل غیر؛

۵- اقدام به صلح و سازش و ارجاع دعاوی کانون به داوری با رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از تصویب هیأت مدیره؛

۶- تهیه و تنظیم و آرایه برنامه و بودجه سالانه، گزارش‌ها و صورت‌های مالی و عملکرد کانون به هیأت مدیره؛

۷- وصول مطالبات و پرداخت بدهی‌های کانون؛

۸- میانجیگری در حل اختلافات حرفه ای وکلا و کارآموزان؛

۹- اداره جلسات هیأت مدیره؛

۱۰- سایر وظایف و اختیاراتی که در این قانون و سایر قوانین مربوط برای رییس کانون پیش‌بینی شده است.

تبصره - در غیاب رئیس هیأت مدیره، نواب رئیس به ترتیب عهده‌دار امور مزبور خواهند بود.

پ - بازرسان

ماده ۲۱ - مجمع عمومی سه نفر بازرس اصلی و یک نفر بازرس علی‌البدل برای مدت سه سال انتخاب می‌کند.

ماده ۲۲ - وظایف بازرسان عبارت است از:

۱- ارایه گزارش به مجمع عمومی در مورد عملکرد هیأت مدیره و رئیس کانون بدون مداخله در امور اجرایی کانون؛

۲- بررسی و اظهار نظر در مورد صورت‌های مالی و ارایه آن به مجمع عمومی؛

۳- بررسی و اظهار نظر در خصوص اموری که از سوی مجمع عمومی ارجاع می‌شود، در حدود مقررات؛

۴- اظهار نظر در مورد صحت و سقم گزارش‌های هیأت مدیره به مجمع عمومی.

تبصره - گزارش بازرسان توسط سه نفر بازرس اصلی تهیه می‌شود و ملاک در تنظیم آن، نظریه اکثریت است. در عین حال در متن گزارش نظریه اقلیت نیز منعکس می‌شود. در صورتی که یکی از بازرسان نتواند در جلسات بازرسی و تنظیم گزارش شرکت نماید، بازرس علی‌البدل جایگزین می‌شود.

ماده ۲۳ - بازرسان در ایفای وظایف خود بدون مداخله در امور جاری کانون، کلیه اسناد و دارایی‌ها و حساب‌های کانون را مورد رسیدگی قرار می‌دهند. در صورت درخواست کتبی بازرس، رئیس کانون موظف است اطلاعات، مدارک و مستندات مورد درخواست بازرس را در اختیار وی قرار دهد.

ماده ۲۴ - بازرسان چنانچه در حین بازرسی، اشکالاتی را ملاحظه نمایند یا گزارش‌هایی مبنی بر بروز تخلف از قوانین و مقررات مربوطه و یا بروز مشکلاتی در کانون دریافت کنند، مکلفند مراتب را به طور کتبی به اطلاع رئیس و هیأت مدیره کانون برسانند. چنانچه برای رفع مشکلات مذکور اقدامی صورت نگیرد، باید موضوع را به مجمع عمومی گزارش نمایند.

ماده ۲۵- چنانچه هر یک از بازرسان در انجام وظایف خود تخلف انتظامی از هر یک از اعضای هیأت مدیره مشاهده نماید، مراتب را به دادستان انتظامی وکلا منعکس می نماید.

ماده ۲۶- برخورداری از شرایط عضویت در هیأت مدیره، برای بازرسان الزامی است، ولی بازرس یا بازرسان نباید عضو هیأت مدیره باشند.

ماده ۲۷- گزارش بازرسان راجع به عملکرد اداری و مالی رییس و هیأت مدیره باید حداقل یک هفته پیش از برگزاری جلسه مجمع عمومی در اختیار اعضاء قرار گرفته و در جلسه مجمع عمومی قرائت شود.

مبحث دوم- شورای عالی وکالت

ماده ۲۸- به منظور برنامه ریزی و ایجاد سیاست واحد در امور اجرایی کانون های استانی وکلا، شورای عالی وکالت از میان اعضای هیأت مدیره کانون های استانی و توسط آنان برای مدت چهار سال در تهران تشکیل می گردد. تعداد اعضای هر کانون استانی در شورای یادشده از کانون های دارای ۵ نفر عضو هیأت مدیره، یک نفر و از کانون های دارای ۷ نفر عضو هیأت مدیره، دو نفر و از کانون های دارای ۹ نفر عضو هیأت مدیره، ۳ نفر خواهد بود.

ماده ۲۹- وظایف شورای عالی وکالت به شرح ذیل است:

- ۱- ایجاد هماهنگی و رویه واحد در اجرای وظایف کانون های استانی وکلا و نظارت بر حسن اجرای آنها؛
- ۲- سیاستگذاری در جهت ارتقای سطح علمی کارآموزان و وکلا و نظارت بر حسن اجرای آنها؛
- ۳- سیاستگذاری و ارایه برنامه های کلان در جهت حمایت از حقوق صنفی وکلا؛
- ۴- برنامه ریزی جهت فراگیر شدن و ارتقای سطح خدمات وکالت و مشاوره حقوقی و دسترسی مردم به خدمات وکلا و توسعه فرهنگ استفاده از وکالت از جمله در قالب وکیل خانواده؛
- ۵- پیشنهاد تعرفه خدمات وکالت و مشاوره حقوقی به رییس قوه قضاییه جهت تصویب؛
- ۶- تعیین حق عضویت سالانه وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت؛
- ۷- برگزاری آزمون سراسری ورودی وکالت؛

۸- تهیه و تدوین آیین‌نامه نقل و انتقال وکلا و کار آموزان وکالت و ارائه آن جهت تصویب به رییس قوه قضائیه؛

۹- تدوین و تصویب آیین‌نامه مربوط به تشکیل و شرح وظایف کمیسیون‌های مشورتی و تخصصی مورد نیاز؛

۱۰- تعیین نماینده جهت شرکت در مجامع منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی مربوط به وکالت؛

۱۱- برنامه‌ریزی در راستای تربیت وکلای متخصص در رشته‌های مختلف؛

۱۲- انجام سایر وظایف مقرر در قوانین و مقررات.

تبصره - تعیین تعداد کارآموزان وکالت برای هر کانون بر عهده کمیسیون متشکل از رییس کل دادگستری استان و دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان و رییس کانون وکلای آن استان می‌باشد که به دعوت رییس کانون وکلای هر استان حداقل یکبار در سال تشکیل و اتخاذ تصمیم می‌شود.

ماده ۳۰- در صورت فوت، استعفاء یا صدور حکم قطعی حجر یا عدم صلاحیت هر یک از اعضا، فرد دیگری مطابق ماده (۲۸) این قانون انتخاب و جایگزین وی می‌شود.

ماده ۳۱- تصمیمات شورای عالی وکالت در سامانه الکترونیکی شورا درج و ظرف پانزده روز پس از انتشار لازم‌الاجراء است.

ماده ۳۲- شورای عالی وکالت نماینده کانون‌های وکلای دادگستری کشور در امور صنفی مربوط به وکالت در مجامع کشوری و بین‌المللی می‌باشد.

مبحث سوم - هیأت نظارت

ماده ۳۳- به منظور انطباق شرایط داوطلبان اخذ پروانه وکالت و عضویت در شورای عالی وکالت و هیأت مدیره‌های استانی با شرایط مقرر در این قانون هیأت نظارت متشکل از ۵ عضو اصلی و ۲ عضو علی‌البدل برای مدت چهار سال از بین وکلا یا حقوقدانان که حداقل ۱۵ سال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند با پیشنهاد شورای عالی وکالت و تصویب رییس قوه قضائیه تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- مصوبات و تصمیمات شورای عالی وکالت و کانون‌های استانی «به جز مصوبات بندهای (۵) و (۸) ماده (۲۹)» از حیث انطباق با قانون و مقررات و حقوق مکتسبه افراد در صورتیکه مورد اعتراض از سوی ذی‌نفع قرار گیرند قابل رسیدگی در هیأت نظارت می‌باشند.

تبصره ۲- در صورت فوت یا استعفای برخی از اعضای هیأت نظارت یا سلب صلاحیت آنان توسط دادگاه عالی انتظامی قضات، اعضای جایگزین برای مدت باقیمانده دوره طبق ضابطه مقرر در این ماده انتخاب می‌شود.

ماده ۳۴- رییس هیأت نظارت که اداره جلسات، تنظیم دستور کار و ابلاغ تصمیمات هیأت را به عهده خواهد داشت با رأی موافق اکثریت اعضاء تعیین می‌گردد.

ماده ۳۵- هیأت نظارت ضمن استعلام سوابق پذیرفته شدگان در آزمون و سایر داوطلبان موضوع ماده (۳۳) از وزارت اطلاعات، مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه (در مورد قضات و کارمندان قوه قضاییه) و عنداللزوم سایر ادارات و کانون‌های ذی‌ربط حداکثر ظرف ۴۵ روز از تاریخ وصول اسامی در مورد صلاحیت آنان اتخاذ تصمیم می‌نماید.

تبصره ۱- در صورت عدم وصول پاسخ در مهلت یکماه یا مبهم بودن آن یا عدم کفایت پاسخ‌های واصله نسبت به تجدید استعلام برای یکبار دیگر اقدام می‌شود. در هر حال کمیسیون موظف است حداکثر ظرف سه ماه تصمیم خود را دائر بر رد یا قبول اعلام نماید.

تبصره ۲- چنانچه از سوی مراجع مذکور، مدارکی پس از اتخاذ تصمیم در هیأت نظارت مغایر تصمیم متخذه واصل شود که ضرورت تجدیدنظر در تصمیم را ایجاب نماید، هیأت مراتب را با اظهارنظر اولیه جهت اتخاذ تصمیم به دادگاه انتظامی وکلاء ارسال می‌نماید.

تبصره ۳- عدم اتخاذ تصمیم در مهلت‌های مقرر تخلف انتظامی محسوب می‌شود.

ماده ۳۶- تصمیمات هیأت نظارت در مورد رد صلاحیت داوطلبان و وکلا ظرف یک‌ماه از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه عالی انتظامی قضات است.

تبصره - چنانچه دستگاه‌های نظارتی نسبت به تأیید صلاحیت داوطلبی اعتراض داشته باشند می‌توانند اعتراض خود را در دادگاه عالی انتظامی قضات مطرح نمایند.

ماده ۳۷ - نظارت بر صحت اجرای انتخابات شورای عالی وکالت، هیأت مدیره و بازرسان کانون‌های استانی بر عهده هیأت نظارت موضوع ماده (۳۳) می‌باشد، پس از برگزاری انتخابات و اعلام نتایج اولیه افراد ذی نفع ظرف مدت ۱۰ روز حق اعتراض به آن را دارند. هیأت نظارت با بررسی اعتراضات واصله و سایر مدارک ظرف مدت ۲۰ روز از پایان مهلت اعتراض نظر خود را در خصوص صحت و سقم آن اعلام می‌نماید. در صورت احراز تخلف مؤثر در نتیجه، انتخابات را کلاً یا جزئاً نسبت به تمام یا برخی از صندوق‌ها یا نامزدها ابطال نموده و دستور برگزاری انتخابات مجدد را صادر می‌کند.

تبصره ۱ - افراد ذی نفع می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز از اعلام نظر هیأت نظارت اعتراض مستدل خود را در دادگاه عالی انتظامی قضات مطرح نمایند.

تبصره ۲ - رأی دادگاه انتظامی قضات در مورد تأیید یا نقض نظر هیأت نظارت و اتخاذ تصمیم نهایی، قطعی است.

ماده ۳۸ - شورای عالی وکالت و هیأت نظارت دارای تشکیلات اداری و مالی متناسب و دبیرخانه مجزا خواهند بود که حدود اختیارات و وظایف و نحوه فعالیت دبیرخانه در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد.

فصل دوم - ورود به حرفه وکالت

مبحث اول - شرایط و موانع ورود به وکالت دادگستری و کارآموزی وکالت

ماده ۳۹ - متقاضیان وکالت دادگستری باید دارای شرایط زیر باشند:

۱- اعتقاد و التزام عملی به دین اسلام یا یکی از ادیان شناخته شده در قانون اساسی؛

۲- التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

۳- تابعیت جمهوری اسلامی ایران؛

۴- سلامت روحی و روانی؛

۵- مدرک کارشناسی یا بالاتر در رشته حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا الهیات یا گرایش فقه و حقوق از دانشگاه‌های مورد تایید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و یا مدرک سطح ۲ حوزه با داشتن سه سال سابقه کار قضایی یا حقوقی معتبر و یا گذراندن واحدهای درسی مقطع کارشناسی به تایید دانشگاه محل تحصیل در مورد دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد پیوسته در رشته و گرایش‌های فوق؛

۶- حداقل سن ۲۲ سال و حداکثر ۵۰ سال برای شرکت در آزمون کارآموزی؛

۷- کارت پایان خدمت وظیفه عمومی یا معافیت دائم از آن (برای آقایان).

ماده ۴۰- ورود به حرفه وکالت دادگستری پس از موفقیت متقاضی در آزمون ورودی، طی دوره کارآموزی و تایید صلاحیت علمی وی توسط هیأت اختبار مطابق مقررات این قانون صورت می‌گیرد.

ماده ۴۱- افراد دارای شرایط زیر از اشتغال به وکالت دادگستری ممنوع می‌باشند:

۱- داشتن محکومیت موثر کیفری؛

۲- اعتیاد به مواد مخدر، روان‌گردان و مشتقات آن‌ها و استعمال مشروبات الکلی؛

۳- اشتهار به فساد اخلاقی یا مالی؛

۴- وابستگی یا داشتن عضویت یا هواداری از گروه‌های غیرقانونی، الحادی و محارب و معاند با جمهوری اسلامی ایران، مگر آنکه توبه آنها احراز شده یا بشود؛

۵- وابستگی و ارتباط غیرمتعارف با نمایندگی‌های کشورهای بیگانه یا کانون‌ها و گروه‌های خارجی؛

۶- محکومیت به انفصال دائم از خدمات عمومی و دولتی یا به انفصال موقت از خدمات مذکور، در مدت انفصال؛

۷- محکومیت به انفصال دائم از خدمات قضایی و یا سلب صلاحیت قضایی .

تبصره - منظور از عبارت « غیر متعارف » : هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارتخانه‌ها، نمایندگی‌ها، ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد.

ماده ۴۲- سی درصد سهمیه مورد نیاز هر یک از کانون‌های استانی به ایثارگران (رزمنده‌گانی که حداقل شش ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و یا آزادگان با حداقل شش ماه سابقه اسارت و یا جانبازان ۲۵٪ و بالاتر و والدین، فرزندان و همسران شهدا یا جانبازان ۴۵٪ و بالاتر) که حداقل هفتاد درصد از نمره آخرین نفر قبولی سهمیه آزاد را کسب کرده باشند، اختصاص می‌یابد.

تبصره- استفاده از این سهمیه مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را آورده‌اند نیست.

ماده ۴۳- اشخاص فاقد پروانه وکالت که حداقل دارای مدرک کارشناسی در رشته حقوق یا دارای مدارک تحصیلی مورد قبول این قانون بوده و اشتغال به قضاوت نداشته باشند، با احراز صلاحیت علمی از سوی کانون وکلای محل اقامت خود می‌توانند در سال تا سه نوبت با اخذ جواز وکالت اتفاقی برای اقریبای سببی یا نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت کنند. هر نوبت وکالت اتفاقی شامل کلیه مراحل دادرسی اعم از بدوی، تجدیدنظر و فرجام و نیز کلیه دعاوی طاری اعم از تقابل، ورود یا جلب و اعتراض ثالث می‌باشد.

مبحث دوم - نحوه برگزاری آزمون، انجام کارآموزی و صدور و ابطال پروانه

ماده ۴۴- آزمون ورودی وکالت همه ساله به صورت سراسری برگزار و نتایج آن در یکی از جراید کثیرالانتشار اعلام می‌شود. نحوه و زمان برگزاری و اعلام نتایج آزمون مطابق آیین نامه اجرایی این قانون است.

تبصره- افرادی مجاز به شرکت در آزمون می‌باشند که واجد شرایط مندرج در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۵) ماده (۳۹) باشند.

ماده ۴۵- اسامی پذیرفته شدگان آزمون به هیأت نظارت اعلام می‌شود. هیأت مذکور برای احراز شرایط مقرر قانونی از مراجع مذکور در ماده (۳۵) استعلام می‌کند. مراجع مربوط موظفند حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ استعلام، پاسخ لازم را از طریق مقتضی اعلام کنند. عدم پاسخگویی ظرف مدت یادشده، مانع اتخاذ تصمیم از سوی هیأت نظارت نخواهد بود. در صورت تأیید صلاحیت نهایی، پرونده متقاضی جهت صدور پروانه کارآموزی به کانون‌های استانی مربوط ارسال می‌شود. متقاضی رد صلاحیت شده می‌تواند

طرف بیست روز از تاریخ ابلاغ نامه عدم صلاحیت، به دادگاه عالی انتظامی قضات اعتراض نماید. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است، پروانه کارآموزی به امضای رییس کانون صادر می‌گردد.

ماده ۴۶- مدت کارآموزی دو سال است. کارآموزان در این مدت ضمن شرکت در دوره‌های آموزشی، تحت نظر وکیل سرپرستی که به پیشنهاد کارآموز توسط کانون تعیین می‌شود کارآموزی می‌کنند. کارآموزان در یکسال اول اشتغال به کارآموزی صرفاً حق شرکت در جلسات رسیدگی مراجع قضایی، شبه قضایی و اداری و مطالعه پرونده‌ها را بدون داشتن حق مداخله در امر وکالت خواهند داشت و در سال دوم تحت نظارت وکیل سرپرست فقط می‌توانند در مورد جرایم و دعاوی کیفری دارای مجازات‌های تعزیری و باز دارنده اعم از حبس کمتر از سه سال، شلاق و جزای نقدی تا ۵۰۰ میلیون ریال و دعاوی حقوقی با خواسته کمتر از پانصد میلیون ریال و دعاوی غیرمالی در صلاحیت شورای حل اختلاف وکالت نمایند.

ماده ۴۷- پس از اتمام دوره کارآموزی، اختبار کارآموزان و تأیید صلاحیت علمی آنان از جهات نظری و عملی به وسیله یکی از هیأت‌های اختبار به عمل می‌آید. هر هیأت اختبار که به پیشنهاد رییس کانون‌های استانی مربوط و تأیید هیأت نظارت انتخاب می‌شوند متشکل از ۳ نفر وکیل پایه یک یا قاضی دادگستری با حداقل ده سال سابقه وکالت یا قضاوت است.

تبصره- مدت عضویت در هیأت اختبار سه سال و برای دوره‌های بعد قابل تمدید است.

ماده ۴۸- در صورتی که هیأت اختبار صلاحیت علمی کارآموز را تأیید کند مراتب را جهت صدور پروانه وکالت به رییس کانون اعلام می‌نماید و در غیر این صورت، دوره کارآموزی شخص مردود را با تعیین دوره‌های علمی و عملی مورد نیاز، از شش تا دوازده ماه تمدید می‌کند. تمدید دوره صرفاً برای دو مرتبه امکان‌پذیر است. در صورتی که پس از دو بار تمدید، هیأت اختبار مجدداً صلاحیت کارآموز را تأیید نکند، پروانه کارآموزی ابطال می‌شود. این تصمیم قابل تجدید نظر در هیأت مدیره است. در صورت رد صلاحیت علمی، ورود به حرفه وکالت مستلزم شرکت و موفقیت مجدد متقاضی در آزمون ورودی است.

ماده ۴۹- افراد زیر از معافیت‌های مشروحه ذیل برخوردارند:

۱- اعضای رسمی هیأت علمی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه دکترا در رشته حقوق با حداقل ده سال سابقه تدریس دروس حقوقی از شرکت در آزمون ورودی و نصف دوره کارآموزی؛

۲- کسانی که دارای حداقل ۱۰ سال سابقه کار قضایی باشند و از آنان سلب صلاحیت قضایی نشده باشد از شرکت در آزمون ورودی و دوره کارآموزی و اختبار؛

۳- کسانی که با دارا بودن مدرک تحصیلی کارشناسی حقوق حداقل ۱۰ سال سابقه کار متوالی یا ۱۵ سال متناوب در واحدهای حقوقی دستگاههای موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و نیروهای مسلح در مشاغل حقوقی اشتغال داشته‌اند، پس از بازنشستگی مشروط بر اینکه بازنشستگی آنان به سبب ارتکاب تخلف دارای وصف مجرمانه نباشد، از شرط سن و نصف دوره کارآموزی.

تبصره ۱- اعضای هیأت علمی موضوع این ماده به شرط دارا بودن مدرک کارشناسی حقوق از معافیت این ماده برخوردار می‌باشد.

تبصره ۲- جز در موارد مصرح در این ماده، هیچیک از متقاضیان ورود به حرفه وکالت از آزمون ورودی، کارآموزی و اختبار معاف نخواهند بود.

تبصره ۳- سابقه قضایی قضات کانون قضایی نیروهای مسلح مشمول این ماده می‌باشد.

ماده ۵۰- وکلای دارای سابقه قضاوت و وکلای دارای سابقه کار در بخش قضایی قوه قضائیه و همچنین کارمندان دفتری دادگاهها و مراجع قضایی که پروانه وکالت دادگستری دریافت می‌نمایند، نمی‌توانند از تاریخ اخذ پروانه وکالت تا پنج سال در حوزه های قضایی محل اشتغال چهارسال آخر خود وکالت کنند. در مورد قضات شاغل در فعالیتهای ستادی قوه قضائیه و قضاتی که حوزه فعالیت آنان کل کشور می‌باشد از قبیل قضات دیوان عالی کشور، دادرها و دادگاه انتظامی قضات و دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور این ممنوعیت شامل استان محل اشتغال آنان خواهد بود.

ماده ۵۱- پروانه وکالت با امضای رییس کانون استان و رییس دادگستری مربوطه صادر می‌شود. کانون های استانی موظفند حداکثر ظرف یک ماه از پذیرش داوطلبان در اختبار یا تکمیل پرونده کسانی که از اختبار معاف می‌باشند مقدمات امضاء را فراهم نمایند. اعتبار پروانه وکالت سه سال است.

به درخواست متقاضی است. کلیه کسانی که به موجب این قانون، پروانه وکالت دادگستری دریافت می‌کنند تا مدت پنج سال از تاریخ صدور پروانه مذکور، مجاز به وکالت در دیوان عالی کشور و همچنین اموری که در صلاحیت دادگاه کیفری استان می‌باشد، نیستند. این ممنوعیت شامل افرادی که به موجب قوانین و مقررات قبل از لازم الاجراء شدن این قانون، برای آنان پروانه وکالت پایه یک دادگستری صادر شده است، نمی‌گردد.

تبصره - در صورتیکه پروانه وکالت ظرف یکماه امضاء یا تمدید نشود موضوع قابل اعتراض در هیأت نظارت خواهد بود.

ماده ۵۲ - هرگاه صلاحیت وکیل از طرف رییس قوه قضاییه، رییس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور، رییس دیوان عدالت اداری، رییس سازمان بازرسی کل کشور، دادستان انتظامی قضات، وزارت اطلاعات، دیوان محاسبات، کانون وکلا و یا یکی از اعضای هیأت نظارت مورد تردید قرار گیرد، مقامات مزبور گزارشی همراه با مستندات را به هیأت نظارت ارسال می‌نمایند. هیأت مذکور مکلف به رسیدگی بوده و در صورتیکه هیأت فقدان صلاحیت یا زوال آن را در هر یک از وکلا یا اعضای هیأت مدیره احراز نماید، بدو پروانه وی را تعلیق و سپس پرونده را جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد مسائل کیفری به مراجع قضایی و در خصوص موارد دیگر موثر در عدم صلاحیت به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال می‌دارد. همچنین، دادگاه کیفری در صورت صدور حکم قطعی به محکومیت کیفری وی نتیجه را جهت اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت به دادگاه عالی انتظامی قضات منعکس نماید. و در هر صورت اگر بنظر دادگاه عالی انتظامی قضات فرد فاقد صلاحیت‌های و شرایط مذکور در ماده (۳۹) باشد او را به ابطال پروانه وکالت محکوم می‌نماید.

ماده ۵۳ - متقاضی باید به هنگام اخذ پروانه وکالت با حضور در جلسه هیأت مدیره مربوط با حضور رییس کل دادگستری استان یا نماینده وی و نماینده وزیر دادگستری به شرح ذیل سوگند یاد کرده و سوگند نامه را امضا کند:

«من در این هنگام که می‌خواهم به شغل شریف وکالت اشتغال ورزم، در پیشگاه قرآن کریم به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و نسبت به عدالت و احقاق حق همت گمارده و شرافت شوون وکالت را پاس دارم و به اشخاص و مقامات قضایی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی احترام گزارم و از اعمال نظرات شخصی و کینه‌توزی و انتقام‌جویی احتراز نموده و در کارهایی که از طرف اشخاص انجام می‌دهم، راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع حق باشم.»

ماده ۵۴- کسانی که قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون در آزمون‌های ورودی کانون وکلا و مرکز مشاوران پذیرفته شده‌اند، کارآموزی یا ادامه آن و اعطای پروانه به آنها از سوی کانون وکلای استان برابر مقررات این قانون خواهد بود.

فصل سوم - حقوق و تکالیف حرفه‌ای وکیل

ماده ۵۵- وکلا نمی‌توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده‌اند دفتر وکالت تأسیس نمایند و همچنین نمی‌توانند عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز کنند.

ماده ۵۶- وکیل باید بر اعمال کارکنان دفتر وکالت خود نظارت کند و در صورت عدم نظارت کافی نسبت به خسارات ناشی از تخلفاتی که کارکنان او در دفتر وکالت در ارتباط با وظایف محوله مرتکب می‌شوند مسؤولیت مدنی دارد. حکم این ماده مانع اقامه دعوای وکیل و زیان دیده علیه کارمند مقصر نیست.

ماده ۵۷- حق الوکاله، حق‌المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری بر اساس تعرفه‌ای است که با توجه به نوع دعوا، میزان خواسته و مراحل دادرسی به وسیله شورای عالی وکالت پیشنهاد و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد. رییس قوه قضاییه می‌تواند این امر را به وزیر دادگستری تفویض کند، بهر حال تعرفه‌ها هر سه سال یکبار متناسب با عواملی نظیر تغییر شاخص تورم که سالانه از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، قابل تعدیل می‌باشد.

تبصره ۱- عقد قرارداد وکالت و مشاوره به میزان بیش از پنج برابر تعرفه مجاز نیست و مطالبه حق الوکاله و حق‌المشاوره و هزینه سفر وکلا زاید بر قرارداد یا تعرفه جرم محسوب می‌شود و مرتکب علاوه بر مجازات‌های انتظامی مقرر در این قانون به مجازات تحصیل درآمد نامشروع موضوع ماده (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس، و کلاهبرداری نیز محکوم می‌شود.

تبصره ۲- وکیل موظف است با درج مبلغ حق الوکاله در قرارداد وکالتنامه تنظیمی یک نسخه از قرارداد حق‌الوکاله را به موکل و دادگاه و اداره امور مالیاتی محل دریافت پروانه وکالت ارائه نماید. تخلف از مفاد این تبصره جرم بوده و علاوه بر اینکه موجب منع پذیرش وکالت از سوی دادگاه است، موجب محکومیت مرتکب به مجازات مذکور در تبصره (۱) می‌باشد.

تبصره ۳- چنانچه مبالغ مندرج در قرارداد تنظیمی کمتر از میزان تعرفه مصوب باشد در قبال سازمان امور مالیاتی معتبر نیست.

ماده ۵۸- کلیه وکلا موظفند در پایان هر سال عملکرد مالی سالیانه خود را طی اظهار نامه به وزارت اقتصاد و دارایی منعکس نموده نسبت به پرداخت مالیات سالانه خود اقدام نمایند. و تمدید پروانه وکالت آنان از سوی کانون منوط به ارائه مفصلاً حساب مالیاتی است.

تبصره- شورای عالی وکالت موظف است ظرف دو سال از لازم الاجرا شدن قانون با هماهنگی قوه قضاییه و وزارت اقتصاد و دارایی نسبت به طراحی و اجرای سامانه مناسب جهت مدیریت پرداخت‌های موکلین به وکلا و نظارت کامل کانون بر درآمد وکلا و واریز مالیات متعلقه به حساب دارایی اقدام نماید.

ماده ۵۹- در صورتی که وکیل یا همسر وی با قاضی رسیدگی کننده به پرونده یا اعضای شورای حل اختلاف پرونده قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد باید از قبول یا ادامه وکالت نزد مقامات مذکور مستقیماً یا با توکیل غیر خودداری نماید.

ماده ۶۰- وکیل نباید هم زمان علیه اشخاص حقیقی یا حقوقی که مشاور یا وکیل آنها است قبول وکالت یا مشاوره یا داوری کند. همچنین مجاز نیست نسبت به پرونده‌هایی که زمانی در آنها قضاوت یا داوری کرده یا وکالت یا مشاوره آنها را برعهده داشته است، مستقیماً یا با توکیل غیر علیه آنها قبول وکالت کند.

ماده ۶۱- وکیل در صورت قطع رابطه همکاری با اشخاص حقیقی یا حقوقی که مشاور یا وکیل آنها است، نباید تا سه سال وکالت یا مشاوره علیه آنها را بپذیرد. همچنین نباید هیچ‌گاه علیه اشخاصی که زمانی نزد آنها سمت مدیریتی یا اداری داشته و یا به نحوی از انحاء با آنها همکاری نموده است، نسبت به پرونده ای که علیه آنها تشکیل می‌شود و وی اطلاعات موضوع آن پرونده را در اختیار دارد قبول وکالت، مشاوره یا داوری نماید.

ماده ۶۲- وکیل باید پس از ابلاغ رأی یا اختطاری که مستلزم انجام امر یا پرداخت هزینه‌ای از طرف موکل است، بلافاصله موضوع را به موکل یا نماینده او اطلاع دهد.

ماده ۶۳- وکیل مکلف است در جلسه دادرسی حضور یابد مگر اینکه در دو یا چند دادگاه اعم از کیفری و غیر آن دعوت شده باشد و جمع بین اوقات ممکن نباشد که در این صورت باید حضور در دادگاه کیفری را مقدم بدارد و به دادگاه یا دادگاههای دیگر لایحه بفرستد و در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام کند. در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه غیر کیفری دعوت شده باشد و جمع بین اوقات ممکن نباشد، باید در دادگاهی که حضور خود را لازم می‌داند حاضر شود و به دادگاههای دیگر لایحه بفرستد و در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام کند. علاوه بر وظایف فوق، در صورتی که وکیل امکان حضور در دادگاهی را ندارد، باید علاوه بر ارسال لایحه به موکل اطلاع دهد تا در صورت تمایل در جلسه رسیدگی حضور یابد.

تبصره- وکیل باید دادگاه کیفری استان را بر دادگاه کیفری مقدم بدارد و در صورتی که در دو یا چند دادگاه کیفری هم عرض دعوت شده باشد حضور وکیل در هر یک از دادگاههای مذکور بر حسب تقدم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود.

ماده ۶۴- عزل یا استعفا یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی بعمل آید که موجب تجدید جلسه نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب استعفا و عزل و تعیین وکیل جدید برای این جلسه پذیرفته نمی‌شود و دادگاه به رسیدگی ادامه می‌دهد.

ماده ۶۵- وکیل با رعایت ماده (۶۴) این قانون، در صورت استعفاء موظف است مراتب را به موکل و مرجعی که پرونده مورد وکالت در آنجا مطرح می‌باشد اطلاع دهد. هرگاه وکیلی که حق تجدیدنظرخواهی دارد بخواهد پس از صدور حکم علیه موکل یا در موقع ابلاغ دادنامه غیر قطعی به وی استعفا کند باید مراتب را به موکل اطلاع دهد و در صورت درخواست موکل، تجدیدنظر خواهی کند و سپس استعفای خود را کتباً به اطلاع دادگاه و موکل برساند.

ماده ۶۶- وکیل باید دارای دفتری باشد که کلیه پرداخت‌هایی را که از طرف موکلان یا متقاضیان مشاوره انجام می‌گیرد و همچنین مشخصات کامل کلیه اسنادی را که از ایشان دریافت می‌کند در این دفتر ثبت و با ذکر شماره ثبت و تاریخ به آنان رسید بدهد. این دفتر توسط شورای عالی وکالت با هماهنگی کانون امور مالیاتی کشور طراحی و به همه کانون‌های استانی ابلاغ می‌شود. دفتر مزبور به وسیله رئیس کانون‌های استانی شماره گذاری و امضاء خواهد شد.

ماده ۶۷- وکیل باید برای هر موکل پرونده‌ای تشکیل دهد که متضمن کلیه اقدامات انجام شده برای موکل باشد و سوابق دعاوی موکلان را تا ده سال پس از مختومه شدن پرونده‌ها نگهداری کند و دارای دفتر ثبت و بایگانی منظم باشد. نحوه ثبت، تنظیم و نگهداری دفاتر و اوراق به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می‌شود.

تبصره- شورای عالی وکالت موظف است ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون سامانه‌ای برای ثبت این امر و سایر موارد مذکور در این قانون طراحی و ایجاد نماید و از آن تاریخ وکلا موظف به ثبت الکترونیکی اطلاعات ذکر شده در سامانه یادشده می‌باشند. شورای مذکور موظف است در طراحی این سامانه برای امکان نظارت، رعایت جنبه‌های امنیتی، تمرکز اطلاعات و اخذ حقوق دولتی هماهنگی‌های لازم را با دستگاه‌های ذی ربط به عمل آورد.

ماده ۶۸- وکیل باید نشانی دفتر وکالت خود را با شماره تلفن و رایانامه و مشخصات پستی و ارتباطی و همچنین اسامی و مشخصات کارکنان دفتر و تغییرات بعدی آن را به کانون استانی اعلام کند.

ماده ۶۹- وکیل بعد از انقضای مدت اعتبار پروانه وکالت و عدم تمدید آن، حق قبول وکالت را ندارد. وکیل مکلف است در صورت انقضای اعتبار پروانه و در اختیار داشتن پرونده در جریان، برای تمدید پروانه وکالت خود اقدام کند.

ماده ۷۰- وکیل باید در حدود مقررات تلاش خود را برای اطلاع از محتوای پرونده بکار گیرد و اقدامات متناسب و به موقع را در دفاع از موکل انجام دهد به نحوی که فرصت‌ها و امکان دفاع از موکل تضییع نشود.

ماده ۷۱- نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای نگهبان، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و اعضای موظف شوراهای اسلامی شهر و روستا و نیز تمام کارمندان رسمی، پیمانی و قراردادی (تمام وقت) وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی، موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و تمام دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دارندگان پایه قضایی، نیروهای مسلح، سردفتران، دفتریاران اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و کارشناسان رسمی دادگستری همزمان نمی‌توانند پروانه وکالت دریافت نمایند. وکلایی که به صورت تمام وقت در دستگاه‌های

یادشده شاغل هستند، نمی‌توانند همزمان وکالت نمایند و باید تا زمانی که در سمت‌های مذکور هستند پروانه خود را تودیع کنند. پروانه متخلفین ابطال می‌شود.

ماده ۷۲- چنانچه کارآموز یا وکیل، بعد از شروع کارآموزی یا اخذ پروانه وکالت، فاقد یکی از شرایط لازم برای ورود به حرفه وکالت یا ادامه اشتغال به وکالت شود، یا یکی از موانع وکالت در وی ایجاد شود یا معلوم شود که شرط را از ابتدا فاقد بوده است، مکلف است بلافاصله از تاریخ فقدان شرط یا حدوث مانع یا اطلاع از آنها، مراتب را به کانون اعلام و اگر پروانه کارآموزی یا وکالت اخذ کرده است، آن را تسلیم کانون کند. این امر مانع انجام وظایف مراجع نظارتی در اعلام مراتب به کانون مربوط نخواهد بود.

ماده ۷۳- وکیل باید وکالت‌های معاضدتی و تسخیری و اموری را که بر اساس قوانین از طرف کانون استانی مربوط به وی محول می‌شود، بپذیرد و با جدیت انجام دهد و از جریان امور محوله، واحد مربوط را مطلع سازد.

ماده ۷۴- کارآموزان باید در دوره‌های آموزشی که بنا به تشخیص کانون‌های استانی برای کارآموزان برگزار می‌شود، شرکت کنند.

تبصره - کانون‌های استانی می‌توانند تمدید پروانه کارآموزان یا وکلای را با توجه به میزان تحصیلات، سابقه اشتغال به وکالت و سن مشروط به گذراندن تمام یا برخی از دوره‌های آموزشی مذکور نمایند.

ماده ۷۵- وکیل باید کلیه مکاتبات خود را با استفاده از سربرگی که حاوی نام، نام خانوادگی، نشانی دفتر، شماره تلفن، شماره عضویت و نام کانون استانی مربوط به وی باشد، انجام دهد و از قید عناوین شغلی سابق خود در آنها اجتناب کند، لکن قید عنوان دکترا و سایر عناوین تحصیلی برای دارندگان آن مجاز است.

تبصره ۱- رعایت مفاد ممنوعیت‌های این ماده در مورد کارت شغلی و تابلوی وکلای دادگستری نیز الزامی است.

تبصره ۲- رعایت مفاد این ماده در مورد کارآموزان وکالت دادگستری نیز الزامی است. کارآموزان وکالت بعد از نیمه اول کارآموزی از حق چاپ و انتشار سربرگ و کارت شغلی با قید عبارت کارآموز برخوردارند و در تمام مدت کارآموزی از حق تهیه و نصب تابلو ممنوع می‌باشند.

ماده ۷۶- وکیل باید در صورت تعلیق، به درخواست دادرسی انتظامی وکلا، بلافاصله پروانه، دفترچه و کارت شناسایی وکالت خود را به کانون تحویل دهد. این اسناد تا پایان مدت تعلیق، نگهداری خواهد شد.

ماده ۷۷- وکیل باید تعهدات مالی خود را نسبت به کانون و صندوق حمایت وکلای دادگستری در سر رسید مقرر ایفا کند.

تبصره- هیأت مدیره کانون‌های استانی مکلفند تعهدات مالی کانون مربوط را نسبت به صندوق حمایت وکلای دادگستری ایفا کنند. هر یک از اعضای هیأت مدیره در قبال عدم انجام این تعهد مسؤولیت انتظامی دارد.

ماده ۷۸- وکیل می‌تواند با تأیید رییس هیأت مدیره کانون نسبت به تودیع پروانه وکالت خود به کانون استانی مربوط اقدام نماید. در این مدت حقوق و تکالیف حرفه‌ای وی با حفظ حقوق اشخاص ثالث به حالت تعلیق در می‌آید. پروانه تودیع شده با تصویب هیأت مدیره مسترد خواهد شد.

ماده ۷۹- معاضدت قضایی عبارتست از ارائه خدمات مشاوره حقوقی رایگان به اشخاص نیازمند و ارائه وکالت رایگان یا با نرخ کمتر از تعرفه به اشخاصی که دلایلی برای ذی‌حق بودن آنان وجود داشته باشد، لیکن تمکن مالی لازم را برای استخدام وکیل ندارند.

تبصره ۱- نحوه تعیین و تشخیص اشخاص ذی‌حق و فاقد تمکن مالی مطابق آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود.

تبصره ۲- اشخاص حقوقی عمومی از شمول این ماده مستثنا می‌باشند.

ماده ۸۰- هرگاه مطابق قوانین و مقررات مقام قضایی استحقاق متهم پرونده کیفری را برای داشتن وکیل تسخیری احراز نماید مراتب را به کانون وکلای مربوط اعلام می‌کند. کانون مذکور حداکثر ظرف یک هفته نسبت به تعیین و معرفی وکیل اقدام می‌نماید.

ماده ۸۱- در هر کانون اداره‌ای به نام معاضدت قضایی تشکیل می‌شود که وظایف زیر را به عهده دارد:

۱- تعیین و معرفی وکیل تسخیری در پرونده‌های کیفری به دادگاه رسیدگی کننده؛

۲- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به تقاضای وکیل معاضدتی؛

۳- معرفی وکیل برای وکالت یا ارایه مشاوره حقوقی معاضدتی در امور مدنی و کیفری و دیوان عدالت اداری در محل کانون، مراجع قضایی یا محل‌هایی که کانون تعیین می‌کند.

تبصره ۱- تشکیلات این اداره مطابق آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می‌شود.

تبصره ۲- کانون موظف است ارایه مشاوره حقوقی معاضدتی را به نحو متناسب با نیاز آن کانون میان کلیه وکلای آن حوزه توزیع نماید.

ماده ۸۲- مرجع اتخاذ تصمیم در مورد تقاضاهای بند (۲) ماده (۸۱) رییس اداره معاضدت است که باید حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ ثبت تقاضا در خصوص قبول یا رد آن اظهار نظر کند. پس از انقضای مهلت مذکور تقاضا پذیرفته شده محسوب و اداره معاضدت مکلف است بلافاصله نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت رد تقاضا، متقاضی می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم به هیأت مدیره اعتراض کند.

تبصره- در مواردی که فوریت امر، اتخاذ تصمیم در مدت کمتری را اقتضاء نماید، اتخاذ تصمیم باید متناسب با فوریت امر باشد.

ماده ۸۳- وکلا مکلفند در صورت ارجاع اداره معاضدت کانون محل صدور پروانه هر سال حداقل در چهار دعوی به عنوان معاضدت یا تسخیری قبول وکالت نمایند.

تبصره- هر وکیل موظف است حداکثر ۵۰ ساعت در سال مشاوره حقوقی معاضدتی ارایه نماید.

ماده ۸۴- در پرونده‌هایی که رأی به نفع موکل صادر شود در صورت درخواست وکیل معاضدتی، حق الوکاله طبق تعرفه موضوع حکم قرار می‌گیرد و از محل محکوم به پرداخت می‌گردد. وکیل معاضدتی از ابطال تمبر مالیاتی و سایر هزینه‌های مربوط معاف است.

تبصره ۱- حق الوکاله وکیل دادگستری در ردیف بودجه سالانه قوه قضاییه پیش بینی شده و مطابق تعرفه پرداخت می‌شود.

تبصره ۲- وکیل معاضدتی مکلف است نسبت به تنظیم وکالتنامه اقدام و نسخه‌ای از آن را به اداره معاضدت ارسال کند.

تبصره ۳- پرداخت حق‌الوکاله موضوع این ماده به وکیل معاضدتی منوط به ابطال تمبر مالیاتی طبق مقررات خواهد بود.

ماده ۸۵- چنانچه تخلفی که قبلاً برای آن مجازات تعیین شده تکرار شود، مرتکب به مجازات حداقل یک درجه و حداکثر دو درجه شدیدتر از مجازات تعیین شده قبلی، محکوم می‌شود.

فصل چهارم- مقررات انتظامی

مبحث اول- مجازات انتظامی

ماده ۸۶- مجازات‌های انتظامی به ترتیب زیر است:

۱- تذکر شفاهی؛

۲- توبیخ کتبی بدون درج در پرونده؛

۳- توبیخ کتبی با درج در پرونده؛

۴- توبیخ کتبی با درج در نشریه کانون؛

۵- ممنوعیت از وکالت از سه ماه تا یکسال؛

۶- ممنوعیت از وکالت از یک سال تا پنج سال؛

۷- ابطال پروانه و ممنوعیت دائم از وکالت.

ماده ۸۷- متخلفان از تکالیف زیر به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه ۱ تا ۵ محکوم می‌شوند:

۱- عدم رعایت شئون شغلی وکالت؛

۲- مداخله در امر وکالت در سال اول کارآموزی، یا قبول وکالت در غیر از جرائم و دعاوی مندرج در ذیل

ماده (۴۶) این قانون در سال دوم کارآموزی؛

۳- عدم نظارت کافی بر کارکنان دفتر وکالت؛ موضوع ماده (۵۶) این قانون؛

۴- قبول همزمان مشاوره یا وکالت علیه اشخاصی که مشاور یا وکیل آنهاست و یا قبل از انقضای سه سال از تاریخ قطع رابطه مشاوره یا وکالت؛ موضوع ماده (۶۱) این قانون؛

۵- عدم رعایت تکلیف مقرر در ماده (۶۵) این قانون؛

۶- عدم رعایت تکلیف مقرر در ماده (۶۸) این قانون؛

۷- عدم رعایت تکلیف مقرر در ماده (۶۹) این قانون؛

۸- استنکاف از قبول وکالت تسخیری یا معاضدتی و خدمات مشاوره حقوقی معاضدتی در موارد محوله از سوی کانون مربوط، موضوع ماده (۷۳) این قانون؛

۹- مانع شدن از استقرار صلح و سازش بین طرفین در هر یک از مراحل دعوی؛

۱۰- عدم تنظیم وکالتنامه مطابق مقررات قانونی؛

۱۱- عدم دریافت اوراق ارسالی از سوی کانون اعم از نامه، اخطار، کیفرخواست و غیره که به وسیله مامور یا پست فرستاده می شود یا عدم آرایه رسید اوراق دریافتی؛

۱۲- پاسخ ندادن به شکایتها و اعلامات انتظامی در مواعد تعیین شده و حاضر نشدن در دادسرا و دادگاه حسب دعوت مراجع مذکور بدون عذر موجه؛

۱۳- عدم رعایت نظاماتی که در حدود اختیارات توسط کانون استانی و شورای عالی وکالت در ارتباط با وظایف وکلا و کارآموزان وضع می شود؛

۱۴- تبلیغ در رسانهها و جراید؛

۱۵- اظهار به داشتن اعتبار و نفوذ نزد مراجع قضایی، شبه قضایی و اداری جهت تشویق مراجعه کنندگان به انعقاد وکالت؛

۱۶- عدم صداقت در بیان توانایی علمی و عملی نسبت به موضوع وکالت و برآورد هزینههای دادرسی و امکان پیشرفت دعوا به نفع موکل؛

۱۷- قبول وکالت یا مشاوره در موضوعاتی که قبلاً به واسطه داشتن سمت قضایی یا اداری یا داوری یا کارشناسی در آن اظهار نظر کرده است؛

۱۸- اخلال در نظم دادگاه و عدم رعایت نزاکت و احترام دادگاه به طور شفاهی یا کتبی؛

۱۹- اقدام برای رد قاضی یا داور یا وکیل طرف مقابل یا اطاله دادرسی با شیوه‌ها و طرق خدعه‌آمیز؛

۲۰- عدم تسلیم صورت کامل و دقیق هزینه‌های انجام شده در جریان دعوا به موکل علی‌رغم درخواست

وی.

ماده ۸۸- مرتکبین هر یک از تخلفات ذیل به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه ۵ تا ۷ محکوم می‌شوند:

۱- عدم انجام تکالیف مقرر در مواد (۵۵)، (۶۲)، (۶۳)، (۷۰) و (۷۵) این قانون؛

۲- قبول وکالت در مدت ممنوعیت از وکالت و تعلیق؛

۳- استفاده از عناوین خلاف واقع یا توسل به طرق و وسایل فریبنده برای تحصیل وکالت یا پیشبرد امر وکالت؛

۴- قبول وکالت برای طرف مقابل دعوا علیه موکل سابق پس از عزل یا استعفا یا انتفای وکالت در همان دعوی یا دعاوی مرتبط با آن؛

۵- تشویق شهود یا موکل برای شهادت کذب یا اظهارات خلاف واقع؛

۶- ارائه اسناد و مدارک یا اطلاعات خلاف واقع به قاضی، کارشناس یا اشخاصی که به نحوی در رسیدگی قضایی در دعوا یا شکایت مداخله دارند، با علم به خلاف واقع بودن آنها؛

۷- دریافت هرگونه وجه یا مال یا سندی اعم از رسمی یا غیر رسمی از موکل علاوه بر حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و عنوان که باشد ولو به عنوان وجه التزام و نذر؛

۸- به کارگیری کارکنان اداری و قضایی قوه قضاییه در امور وکالت تحت هر عنوان؛

۹- عدم استرداد اموال، اسناد و مدارک و سپرده‌های وصولی به نام موکل پس از تصفیه -

۱۰- انتقال دعوی موکل به هر نحوی به خود و قبول وکالت از موکل به طور ساختگی؛

۱۱- افشای اسراری که به اقتضای امر وکالت از آن مطلع شده است، در غیر از موارد قانونی؛

۱۲- تبانی با طرف مقابل موکل خود که منجر به تضییع حق و اضرار موکل گردد؛

۱۳- تضمین شفاهی یا کتبی مبنی بر اخذ حکم به نفع موکل.

ماده ۸۹- صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت وکیل به ارتکاب جرایم موجب حد، قصاص نفس، اعدام، حبس ابد و جرایم کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت غیرحدی و رشا و نیز جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها حبس سه سال یا بیشتر باشد، موجب مجازات انتظامی درجه ۷ است.

تبصره ۱- محکومیت کیفری موثر در سایر جرایم عمدی با هر میزان مجازات موجب مجازات انتظامی درجه ۳ تا ۵ خواهد بود.

تبصره ۲- مراجع قضایی مکلفند در صورت صدور کیفرخواست علیه وکیل در جرایم موضوع این ماده، مراتب را به همراه نسخه‌ای از قرار مجرمیت و کیفرخواست به کانون استانی متبوع وکیل متهم اعلام نمایند. کانون استانی مربوط موضوع را به دادگاه انتظامی وکلاء اعلام می‌نماید. دادگاه انتظامی پس از بررسی قرار مجرمیت و کیفرخواست صادره چنانچه دلایل توجه اتهام به متهم را قوی بداند و ادامه وکالت وکیل را با لحاظ موارد مذکور منافی شئون وکالت تشخیص دهد حکم به تعلیق وکیل مذکور به مدت شش ماه صادر می‌نماید. چنانچه در پایان مدت شش ماهه مذکور حکم قطعی صادر نشده باشد تعلیق صادره برای مدت شش ماه دیگر نیز قابل تمدید است.

ماده ۹۰- در صورت تخلف هر یک از اعضای هیأت مدیره‌های کانون‌های وکلای رسمی یا هر یک از اعضای آن از تکالیفی که این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط بر عهده آنان نهاده است، به حکم دادگاه انتظامی وکلای مرکز، بر حسب مورد و نوع تخلف به مجازات انتظامی درجه ۳ تا ۶ و عنداللزوم به محرومیت از عضویت در هیأت‌های مدیره به مدت ۱ تا ۵ سال محکوم می‌شوند. در صورتی که تخلف هیأت‌های مدیره از انجام وظایف قانونی ناشی از تقصیر برخی از اعضاء باشد، تنها آنان مسؤولیت خواهند داشت.

ماده ۹۱- ارتکاب تخلفات متعدد مستوجب تعیین یک مجازات انتظامی است. چنانچه تخلفات ارتكابی دارای مجازات‌های متفاوتی باشند، مجازات تخلفی تعیین می‌شود که شدیدتر است و چنانچه دارای مجازات یکسان باشند، مجازات مربوط ۱ تا ۲ درجه تشدید می‌شود.

ماده ۹۲- چنانچه وکیل در ظرف پنج سال از زمان اجرای مجازات، مجدداً مرتکب تخلف انتظامی موضوع این قانون شود، دادگاه انتظامی می‌تواند وی را به مجازات حداقل یک درجه و حداکثر دو درجه شدیدتر از مجازات مقرر محکوم نماید.

مبحث دوم- دادسرا و دادگاه بدوی و تجدیدنظر انتظامی وکلا

ماده ۹۳- به منظور رسیدگی به تخلفات وکلا و کارآموزان وکالت در کانون‌های استانی، دادسرا و دادگاه انتظامی به ترتیب مقرر در مواد آتی تشکیل می‌شود.

ماده ۹۴- دادگاه بدوی انتظامی وکلا می‌تواند بنا به تشخیص هیات مدیره کانون و تأیید شورای عالی وکالت، شعب متعدد داشته باشد. در صورت تعدد شعب، ریاست شعب با رئیس شعبه اول خواهد بود.

ماده ۹۵- هر شعبه دادگاه بدوی انتظامی دارای سه عضو است که از بین وکلای پایه یک از سوی هیات مدیره کانون انتخاب و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند. اعضاء علاوه بر شرایط مذکور در ماده (۱۱) باید دارای شرایط زیر باشند:

۱- داشتن حداقل ۴۵ سال سن؛

۲- داشتن حداقل ۱۵ سال سابقه وکالت یا قضاوت؛

۳- نداشتن سابقه محکومیت کیفری مؤثر و هرگونه محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر.

تبصره ۱- رای دادگاه پس از مشورت اعضاء بر اساس اکثریت آراء معتبر صادر خواهد شد. نظر اقلیت باید در ذیل رای درج گردد.

تبصره ۲- مدت عضویت اعضای دادگاه انتظامی وکلا ۴ سال است. انتخاب مجدد آنان برای یک دوره متوالی بلامانع است.

ماده ۹۶- دادرسی انتظامی وکلا در معیت هر دادگاه انتظامی وکلا تشکیل می شود. ریاست دادرسی با دادستان است که از بین وکلای واجد شرایط مندرج در ماده (۹۵) توسط هیأت مدیره کانون هر استان با دو سوم آراء انتخاب و پس از تأیید رییس قوه قضاییه با ابلاغ رییس قوه قضاییه منصوب می شود و می تواند به تعداد لازم دادیار داشته باشد. دادیاران که از بین وکلا انتخاب می شوند در امر تعقیب و رسیدگی تحت نظارت و تعلیمات دادستان اقدام می کنند.

تبصره- علاوه بر دادستان انتظامی وکلا، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان نیز حق اعتراض به آرای قطعی دادگاه بدوی انتظامی وکلا را دارد.

ماده ۹۷- دادیاران به پیشنهاد دادستان و تصویب هیأت مدیره از بین وکلایی که دارای شرایط زیر باشند انتخاب و با ابلاغ وزیر دادگستری منصوب می شوند:

۱- داشتن حداقل سی سال سن؛

۲- داشتن حداقل پنج سال سابقه اشتغال به وکالت یا قضاوت؛

۳- نداشتن محکومیت انتظامی درجه ۳ و بالاتر و محکومیت کیفری مؤثر.

تبصره- در صورت تعدد دادیاران یک نفر از آنان به پیشنهاد دادستان و تصویب هیأت مدیره به عنوان جانشین دادستان تعیین خواهد شد.

ماده ۹۸- دادگاه تجدیدنظر انتظامی وکلاء از ۵ نفر وکیل دارای شرایط مذکور در ماده (۹۸) با انتخاب شورای عالی وکالت و تأیید رییس قوه قضاییه تشکیل می شود. رای دادگاه تجدیدنظر انتظامی با نظر موافق سه عضو معتبر می باشد. آراء دادگاه تجدیدنظر ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ، قابل رسیدگی در دادگاه عالی انتظامی قضات می باشد.

تبصره- دادگاه تجدید نظر انتظامی وکلاء در تهران مستقر است و می تواند بنا به تشخیص شورای عالی وکالت و تصویب وزیر دادگستری دارای شعب باشد.

ماده ۹۹- تخلفات رییس و اعضای هیات مدیره و بازرسان کانون‌های استانی و دادستان و دادیاران دادرسی انتظامی و وکلای عضو دادگاه بدوی و تجدیدنظر انتظامی و کلاء در مورد تکالیف حرفه‌ای مربوط به وکالت و نیز وظایف مربوط به اجرای این قانون، در دادگاه انتظامی وکلای استان تهران رسیدگی می‌شود.

مبحث سوم - آیین رسیدگی انتظامی

ماده ۱۰۰- تعقیب انتظامی وکیل یا کارآموز با شکایت شاکی خصوصی یا اطلاع و تشخیص دادستان انتظامی وکلا آغاز می‌شود.

تبصره- گذشت شاکی خصوصی مانع تعقیب انتظامی نیست.

ماده ۱۰۱- مدت مرور زمان تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی، سه سال است.

ماده ۱۰۲- حضور طرفین یا مطلعین در جریان تحقیقات مقدماتی دادرسی انتظامی موکول به نظر مقام رسیدگی کننده به پرونده است. در صورتی که دادرسی یا دادگاه‌های انتظامی حضور شاکی یا مشتکی‌عنه را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند حسب مورد احضاریه صادر می‌نماید.

ماده ۱۰۳- شکایات و گزارش‌ها در مورد تخلفات وکلا و کارآموزان باید در دبیرخانه کانون مربوط ثبت و بلافاصله نزد دادستان انتظامی ارسال شود. دادستان شخصاً رسیدگی یا رسیدگی را به یکی از دادیاران ارجاع می‌نماید.

تبصره ۱- یک نسخه از تصویر شکوائیه یا گزارش و مستندات آن به وکیل یا کارآموز مورد تعقیب ابلاغ می‌گردد تا ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، پاسخ خود را به دفتر دادرسی تسلیم کند.

تبصره ۲- ترتیبات ابلاغ مطابق قانون آیین دادرسی مدنی انجام می‌گیرد.

تبصره ۳- اعلام اوقات رسیدگی در دادرسی و دادگاه انتظامی با رعایت مقررات آیین دادرسی کیفری می‌تواند از طریق تماس تلفنی، ارسال پیامک یا پست الکترونیک صورت گیرد. ابلاغ اوراق و قرارهای دادرسی و آراء دادگاه‌های انتظامی نیز با استفاده از پست الکترونیک میسر است.

ماده ۱۰۴- پس از وصول پاسخ شکوایه یا گزارش و یا انقضای مدت مقرر و عدم وصول پاسخ بدون عذر موجه از ناحیه وکیل یا کارآموز مورد تعقیب، رسیدگی ادامه می یابد. جهات عذر موجه به شرحی است که در قانون آیین دادرسی مدنی آمده است.

تبصره ۱- چنانچه در جریان رسیدگی، دادیار از تخلفات دیگر وکیل یا کارآموز مورد تعقیب مطلع شود، مراتب را به دادستان اعلام خواهد نمود. در صورت موافقت وی وکیل مزبور از این جهت نیز تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲- جهات رد دادستان و دادیاران همان است که برای اعضای دادگاه انتظامی تعیین می شود.

ماده ۱۰۵- دادرسی و دادگاه می تواند در جهت رسیدگی به شکایات یا گزارشات واصله در مورد وکلا و کارآموزان از وزارتخانه ها، موسسات دولتی، موسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت های دولتی و کلیه دستگاه هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، کانون گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانکها و بیمه های دولتی، دفاتر اسناد رسمی، مراجع قضایی و موسسات عمومی و عام المنفعه، اطلاعات و تصویر اسناد لازم را مطالبه کند. مراجع مزبور مکلفند اطلاعات و اسناد مورد مطالبه دادرسی و دادگاه را که مرتبط با تخلفات است ظرف ۱۰ روز در اختیار مرجع رسیدگی کننده قرار دهند، مگر آنکه از اسناد طبقه بندی شده باشند که در این صورت مطابق مقررات حاکم بر اسناد طبقه بندی شده اقدام مقتضی را معمول خواهد نمود.

تبصره ۱- مرجع رسیدگی می تواند با رعایت مقررات با اعزام نماینده از اطلاعات پرونده یا اسناد عادی گزارش تهیه نماید.

تبصره ۲- عدم همکاری در این مورد سهل انگاری در انجام وظیفه اداری محسوب و مرتکب از سوی مراجع اداری و انتظامی مربوط به انفصال از ۳ ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

ماده ۱۰۶- تعقیب انتظامی وکیل مانع تعقیب کیفری و طرح دعوای مدنی علیه وی نیست. در مواردی که موضوع شکایت از موارد موضوع ماده (۸۹) این قانون باشد، دادرسی تعقیب انتظامی را منوط به رسیدگی به جنبه کیفری موضوع در مراجع قضایی کرده و مراتب را کتباً به شاکی اعلام می کند. چنانچه شاکی ظرف ۲۰ روز از تاریخ اعلام، شکایت خود را در مرجع صالح مطرح و گواهی مربوط را به دادرسی

نماید رسیدگی به پرونده تا اتخاذ تصمیم قطعی قضایی نسبت به شکایت کیفری شاکی متوقف می شود. در صورتی که جرم بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب نباشد و شاکی ظرف مهلت مقرر در این ماده گواهی مورد نظر را ارایه نکند، پرونده بایگانی می شود و آغاز مجدد رسیدگی موقوف به مراجعه شاکی پیش از تحقق مرور زمان موضوع ماده (۱۰۱) این قانون خواهد بود و در این صورت دادسرا بدون توجه به جنبه کیفری موضوع، رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد کرد. در صورتی که جرم بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب باشد، دادسرای انتظامی رأساً به دادسرای عمومی اعلام جرم خواهد کرد.

ماده ۱۰۷- در صورت فوت یا جنون وکیل یا کارآموز مورد تعقیب یا شمول مرور زمان یا تخلف نبودن عمل ارتكابی یا عدم احراز تخلف، تعقیب انتظامی متوقف و قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب وکیل یا کارآموز صادر می شود.

تبصره- در صورتیکه وکیل یا کارآموز مجنون پیش از حصول مرور زمان افاقه حاصل کند، تعقیب انتظامی ادامه می یابد.

ماده ۱۰۸- قرارهای صادره در دادسرای انتظامی وکلاء به طرفین و رییس کانون ابلاغ می شود تا چنانچه اعتراضی دارند ظرف ۱۰ روز کتباً به دادسرا تسلیم کنند. در این صورت، پرونده به دادگاه انتظامی کانون فرستاده می شود. چنانچه دادگاه اعتراض را وارد تشخیص دهد، قرار صادره را نقض و پرونده را جهت تنظیم کیفرخواست به دادسرا ارجاع می دهد. در غیر این صورت قرار صادره را تأیید خواهد کرد و تصمیم دادگاه مبنی بر تأیید قرار دادسرا قطعی است.

ماده ۱۰۹- دادیار انتظامی پس از رسیدگی عقیده خود را ابراز می کند. در صورتی که دادیار عقیده به تعقیب انتظامی داشته و دادستان با وی موافق باشد کیفرخواست تنظیم می شود و پرونده از طریق دفتر دادستان جهت ارجاع به یکی از شعب دادگاه به نظر رییس دادگاه انتظامی وکلاء می رسد و چنانچه دادستان به منع یا موقوفی تعقیب انتظامی معتقد باشد، نظر دادستان انتظامی تعیین کننده است و دادیاران تابع دادستان انتظامی هستند.

ماده ۱۱۰- دادستان انتظامی در صورت احراز تخلفی که مستوجب مجازاتهای انتظامی تا درجه ۴ باشد چنانچه شاکی انتظامی نداشته یا شاکی از شکایت خود صرفنظر کرده باشد، می تواند در صورت نداشتن

سابقه محکومیت انتظامی برای یک بار قرار تعلیق تعقیب صادر کند. قرار صادره از جانب وکیل یا کارآموز تحت تعقیب ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض بوده و در دادگاه انتظامی وکلا رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۱۱- پس از صدور کیفرخواست، نسخه‌ای از آن به وکیل یا کارآموز مورد تعقیب ابلاغ می‌شود تا پاسخ کتبی خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دفتر دادسرا تسلیم کند.

ماده ۱۱۲- پس از وصول پاسخ یا انقضای مهلت مقرر، دادگاه انتظامی با تعیین وقت رسیدگی، طرفین را جهت ادای توضیحات دعوت می‌نماید. عدم حضور هر یک از طرفین مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود.

ماده ۱۱۳- عضو دادگاه انتظامی وکلا در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین نیز می‌توانند او را رد کنند:

۱- عضو دادگاه دارای قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با وکیل یا کارآموز مورد تعقیب یا موکل وی و یا شاکی باشد.

۲- عضو دادگاه قبلاً یا در زمان رسیدگی، وکیل پرونده‌ای بوده یا باشد که وکیل یا کارآموز مورد تعقیب یا شاکی در آن به عنوان وکیل دخالت داشته باشد.

۳- بین عضو دادگاه و اقربای وی تا درجه دوم از طبقه سوم با وکیل یا کارآموز مورد تعقیب یا موکل وی یا شاکی، دعوای حقوقی یا جزایی مطرح باشد.

۴- عضو دادگاه قبلاً به واسطه سمت در دادسرا یا دادگاه انتظامی وکلا، سمت قضایی، داوری یا کارشناسی نسبت به موضوع اظهارنظر کتبی کرده باشد.

ماده ۱۱۴- دادگاه انتظامی وکلا فقط به تخلفات اعلام شده در حدود کیفرخواست رسیدگی می‌نماید و در صورت احراز تخلف، تطبیق عمل انتسابی با مواد قانون با دادگاه است. در صورتی که دادگاه در حین رسیدگی تخلف دیگری را مشاهده نماید، مراتب را جهت تعقیب و رسیدگی به دادسرای انتظامی وکلا اعلام خواهد نمود.

ماده ۱۱۵- دادستان انتظامی وکلا یا یکی از دادباران به نمایندگی از وی می‌توانند به منظور دفاع از کیفرخواست و ادای توضیحات موردنظر دادگاه انتظامی وکلا در جلسه رسیدگی حضور یابند.

ماده ۱۱۶- احکام دادگاه انتظامی وکلا مبنی بر محکومیت به مجازات‌های تا درجه ۳ قطعی و از درجه ۴ و بالاتر از طرف محکوم علیه و دادستان انتظامی قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه تجدیدنظر انتظامی وکلا است. مهلت اعتراض ده روز از تاریخ ابلاغ حضوری دادنامه یا ابلاغ آن به ترتیب مقرر در ماده (۱۰۳) است.

ماده ۱۱۷- در صورتی که وزیر دادگستری یا رییس کل دادگستری استان مربوط یا رییس یا دادستان انتظامی کانون وکلای استانی مربوط با ذکر دلایل در حین رسیدگی به تخلف موضوع ماده (۸۸) این قانون ادامه اشتغال وکیل یا کارآموز مورد تعقیب را به کار وکالت یا کارآموزی مصلحت نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلای کانون مربوط تعلیق موقت او را درخواست کند. هیأت مدیره نیز می‌تواند در صورت تصویب دو سوم اعضای اصلی، تعلیق وکیل مورد تعقیب را درخواست کند. در این صورت رییس کانون‌های استانی موضوع را جهت رسیدگی به دادگاه انتظامی وکلا ارجاع می‌کند. دادگاه موظف است خارج از نوبت رسیدگی کند و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود، این رأی بلافاصله قابل اجراست.

تبصره ۱- وکیل یا کارآموز می‌تواند از رأی دادگاه انتظامی وکلا مبنی بر تعلیق، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، درخواست تجدیدنظر نماید. در صورت رد درخواست تعلیق درخواست کننده، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ حق تجدید نظر خواهی دارد.

تبصره ۲- مدت تعلیق وکیل حداکثر ۶ ماه می‌باشد و در صورت لزوم برای یکبار قابل تمدید می‌باشد.

ماده ۱۱۸- در صورتی که علیه وکیل یا کارآموز به اتهام ارتکاب یکی از جرایم موضوع ماده (۸۹) این قانون کیفرخواست صادر شود، دادستان عمومی و انقلاب صادره کننده کیفرخواست باید رونوشت آن را برای دادستان انتظامی و رییس کانون استانی متبوع بفرستد. رییس کانون یا دادستان انتظامی رونوشت کیفرخواست را مستقیماً به دادگاه انتظامی وکلا ارسال می‌دارد. در صورتی که دادگاه انتظامی دلایل را قوی و ادامه وکالت وکیل یا کارآموز را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد، رأی تعلیق موقت او را برای مدت شش ماه صادر می‌کند. این رأی ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ به وکیل یا کارآموز قابل اعتراض است.

ماده ۱۱۹- در مواردی که تخلف انتظامی واجد جنبه کیفری است چنانچه جنبه انتظامی از کیفری قابل تفکیک باشد دادگاه انتظامی به تخلف رسیدگی و حکم صادر می نماید و جهت رسیدگی به جنبه کیفری یا در صورتی که جنبه انتظامی از کیفری قابل تفکیک نباشد پرونده را جهت رسیدگی به مرجع صلاحیتدار قضایی ارسال می نماید.

ماده ۱۲۰- ترتیبات رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر وکلا همان است که برای دادگاه بدوی وکلا پیش بینی گردیده است؛ مگر آنکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

فصل پنجم- صندوق حمایت وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت

ماده ۱۲۱- وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت چنانچه عضو صندوق بیمه ای دیگری نباشند، طبق مقررات این قانون از طریق بیمه اجباری از حمایت های بازنشستگی و از کارافتادگی و فوت و خدمات درمانی و رفاهی برخوردار می شوند.

تبصره ۱- چگونگی بهره مندی از حمایت های موضوع این قانون توسط مشمولان و افراد تحت تکفل آنان به موجب آیین نامه ای است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورای عالی وکالت تهیه و به تصویب وزیر دادگستری می رسد.

تبصره ۲- هیچ وکیل یا کارآموزی نمی تواند همزمان مشمول دو صندوق بیمه ای باشد. وکلا و کارآموزانی که عضو سایر صندوق ها بوده یا می باشند مخیرند یکی از دو صندوق را انتخاب نمایند و یا با رعایت قوانین و مقررات مربوط سوابق بیمه ای خود را به صندوق محل کار جدید منتقل کنند.

تبصره ۳- وکلایی که عضو صندوق حمایت وکلای دادگستری نمی باشند، به موجب مقرراتی که در آیین نامه اجرایی مقرر در تبصره (۱) این ماده پیش بینی خواهد شد، می توانند از امکانات رفاهی صندوق استفاده نمایند.

ماده ۱۲۲- نام صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری به صندوق حمایت وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت تغییر می یابد که از این پس به اختصار «صندوق» نامیده می شود. این صندوق دارای

شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و مطابق مقررات این قانون و اساسنامه مصوب اداره خواهد شد. حق بیمه مأخوذه از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض معاف می‌باشد.

ماده ۱۲۳- اساسنامه صندوق ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورای عالی وکالت تهیه و به تصویب وزیر دادگستری می‌رسد.

ماده ۱۲۴- منابع مالی صندوق به شرح زیر است:

۱- حق بیمه‌ای که مشمولین این قانون مستقیماً به صندوق می‌پردازند.

۲- وجوهی که کانون‌های وکلا به صندوق می‌پردازند.

۳- سود و منافع حاصل از درآمدها و سرمایه‌گذاری‌های صندوق، به ترتیبی که در اساسنامه مقرر می‌شود.

۴- وجوه موضوع مواد (۱۲۵)، (۱۲۶) و (۱۲۷) این قانون.

۵- کمک‌ها و هدایایی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی به صندوق داده می‌شود.

تبصره- دریافت کمک‌ها و هدایا از اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی، منوط به تصویب شورای عالی وکالت و تأیید وزیر دادگستری می‌باشد.

ماده ۱۲۵- کلیه وجوه مربوط به کسور بازنشستگی یا حق بیمه (اعم از سهم دولت یا کارفرما و متقاضی) آن دسته از افرادی که قبل از اخذ پروانه وکالت طبق قوانین به سایر صندوق‌ها پرداخت شده در صورت درخواست کتبی متقاضی باید به این صندوق واریز شود. در هر حال استفاده از مزایای بازنشستگی موضوع این صندوق منوط به اشتغال به وکالت و پرداخت حداقل ۱۰ سال حق بیمه متعلقه به این صندوق می‌باشد.

تبصره- مدت خدمت ووظیفه عمومی نیز به شرط پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه مقرر به این صندوق مشمول مقررات این ماده خواهد بود.

ماده ۱۲۶- وکلا و کارآموزان مشمول این قانون و همچنین کانون‌های متبوع آنان مکلفند حق بیمه ماهانه خود را به شرح زیر پرداخت کنند:

الف- سهم بیمه شده معادل نه درصد (۹٪)؛

ب- سهم کانون‌های وکلای متبوع معادل سه درصد (۳٪).

درآمد مأخذ محاسبه حق بیمه موضوع این ماده برای سال اول اشتغال به وکالت دادگستری (۱/۵) برابر و کارآموزان معادل (۱) برابر حداقل حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر شاغلین قانون مدیریت خدمات کشوری در هر سال خواهد بود که به ازای هر سال اشتغال به وکالت ده درصد (۱۰٪) مبلغ پایه به عنوان اضافه سالانه به مبلغ پایه آن گروه اضافه می‌شود.

ماده ۱۲۷- حق بیمه سهم بیمه شده حداقل هر سه ماه یکبار باید مستقیماً به حساب صندوق نزد یکی از بانک‌های معرفی شده به وسیله صندوق واریز شود و سند پرداخت آن برای ثبت در حساب بیمه شده تسلیم صندوق گردد. در صورت تأخیر در پرداخت حق بیمه، سهم بیمه شده به تناسب مدت معوق به ازای هر سال تأخیر پانزده درصد (۱۵٪) محاسبه و دریافت خواهد شد.

ماده ۱۲۸- حق بیمه سهم کانون‌ها هر سه ماه یکبار از طرف صندوق محاسبه و به کانون‌ها اعلام خواهد شد. کانون‌ها مکلفند حداکثر ظرف یک ماه مبالغ اعلام شده را به حساب صندوق واریز نمایند. در صورت تأخیر در پرداخت سهم کانون به تناسب مدت تأخیر به ازای هر سال به میزان ده درصد (۱۰٪) علاوه بر حق بیمه سهم کانون محاسبه و دریافت خواهد شد.

تبصره ۱- عدم پرداخت بموقع سهم صندوق، بدون عذر موجه از مصادیق تخلف انتظامی مقرر در ماده (۸۷) این قانون محسوب می‌شود.

تبصره ۲- محکومین موضوع این ماده موظفند جریمه مقرر را شخصاً به کانون پرداخت نمایند.

ماده ۱۲۹- وکلا و کارآموزان وکالت مکلفند معادل آنچه را که بابت مالیات طبق قانون مالیات‌های مستقیم تمبر به وکالتنامه الصاق می‌کنند به صندوق پرداخت کنند. وکلا و کارآموزان متخلف از اجرای این ماده به محرومیت از وکالت از چهار ماه تا یکسال موضوع ماده (۸۷) این قانون محکوم می‌شوند.

ماده ۱۳۰- دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی موضوع ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم مکلفند معادل مالیات وجوه مندرج در

قرارداد که به عنوان حق المشاوره و تحت هر عنوان دیگری به وکلای دادگستری عضو صندوق می پردازند را به هنگام پرداخت مبالغ قراردادی از هر پرداخت کسر و حداکثر ظرف یک ماه به حساب صندوق واریز کنند. تخلف از انجام این وظیفه در مورد مقامات و مسؤولان دستگاههای موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری موجب محکومیت به مجازات اداری طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری می شود و در مورد سایر اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی موضوع ماده (۱۰۴) قانون مالیاتهای مستقیم به مجازات نقدی معادل ۳ تا ۱۰ برابر مبالغ پرداخت نشده محکوم می شوند و مستنکف از پرداخت وجوه مذکور دارای مسؤولیت تضامنی با وکیل یا کارآموز خواهد بود.

ماده ۱۳۱- تمدید پروانه وکلا و کارآموزان وکالت بدون ارایه و اخذ مفاصا حساب صندوق ممنوع است و کلیه وکلا و کارآموزان وکالت مکلفند هم زمان با تمدید پروانه خود مفاصا حساب مبنی بر نداشتن بدهی موضوع این قانون به صندوق را اخذ و به کانون مربوط تسلیم نمایند. عدم رعایت و اجرای این ماده تخلف محسوب می شود و مشمول مجازات انتظامی قسمت اخیر ماده (۱۳۰) این قانون می باشد.

ماده ۱۳۲- سوابق پرداخت حق بیمه مشمولان این قانون به سایر صندوقهای بیمه‌ای در صورتی می تواند به عنوان سوابق بیمه‌ای وکیل از لحاظ مستمری یا بازنشستگی محسوب شود که علاوه بر انتقال سهم بیمه شده و سهم کارفرما، مابه التفاوت به مأخذ حق بیمه موضوع ماده (۱۲۹) این قانون، در سال انتقال به این صندوق پرداخت گردد. جزئیات محاسبه مابه التفاوت موضوع این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط صندوق تهیه و به تصویب شورای عالی وکالت می رسد.

ماده ۱۳۳- سوابق بیمه‌ای قضات و کارمندان دولت و مدت نمایندگی مجلس شورای اسلامی و مدت خدمت وظیفه کسانی که مشمول مقررات این قانون قرار می گیرند به شرط پرداخت تمام حق بیمه سنوات مذکور با احتساب وجوه پرداختی بابت بازنشستگی متقاضی که به صندوق واریز شده باشد از لحاظ احتساب مستمری بازنشستگی جزء سابقه وکالت محسوب خواهد شد.

ماده ۱۳۴- هر یک از کارکنان و اعضای هیأت مدیره کانونهای استانی وکالت یا صندوق و به طور کلی کلیه افرادی که به مناسبت وظیفه اموال و وجوه متعلق به کانونهای استانی وکالت یا صندوق به آنها سپرده شده چنانچه مرتکب برداشت یا تصاحب این وجوه و اموال به نفع خود یا دیگری شوند یا نسبت به این وجوه

و اموال تصرف غیرمجاز نمایند حسب مورد به مجازات مرتکبین اختلاس یا تصرف غیرمجاز نسبت به اموال دولتی محکوم می گردند.

ماده ۱۳۵- مستمری‌های موضوع این قانون هر ساله حداقل بر مبنای درصد افزایش حقوق بازنشستگی و مستمری که توسط هیأت وزیران برای کارکنان کشوری تصویب می شود، به پیشنهاد صندوق و تصویب وزیر دادگستری افزایش می یابد.

ماده ۱۳۶- هیأت مدیره صندوق مکلف است پس از وضع هزینه‌ها و مخارج قطعی مجاز، مازاد درآمد هر سال را به ترتیب مقرر در اساسنامه صندوق در ارتباط با پیش بینی ذخیره احتیاطی، امور سرمایه گذاری، سپرده گذاری نزد بانک‌ها و خرید اوراق مشارکت، ایجاد امکانات رفاهی و پرداخت تسهیلات به وکلا و کارآموزان جهت خرید یا اجاره دفتر یا خرید مسکن و سایر وام‌های ضروری مصرف نماید.

تبصره- میزان وام، شرایط پرداخت و چگونگی بازپرداخت آن و اخذ تضمین‌های لازم بر طبق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب شورای عالی وکالت خواهد رسید. در هر حال پرداخت وام بدون اخذ تضمین کافی و معتبر ممنوع است.

ماده ۱۳۷- وکیل یا کارآموز عضو صندوق تا قبل از استفاده از حمایت‌های بازنشستگی، از کارافتادگی یا فوت، در صورت قطع رابطه عضویت در کانون، می تواند درخواست نماید و جوهی که بابت سهم خود به صندوق حمایت پرداخت نموده به وی مسترد، یا با رعایت مقررات مربوط به سایر صندوق‌های بیمه ای منتقل شود. در این صورت متقاضی از شمول حمایت‌های فوق خارج خواهد شد.

ماده ۱۳۸- خانواده‌های آن دسته از کارگشایان سابق که تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون از تسهیلات صندوق استفاده می نمایند از حمایت‌های موضوع این قانون بهره مند خواهند شد.

فصل ششم - سایر مقررات

ماده ۱۳۹- در صورت فوت یا حجر وکیل یا کارآموز، بنا به تقاضای اشخاصی که اوراق و اسناد نزد ایشان داشته اند، قائم مقام قانونی متوفی یا محجور با حضور نماینده کانون مربوطه راساً و در صورت بروز اختلاف یا استنکاف یا فقدان یا عدم دسترسی به وی، به دستور دادستان شهرستان مربوط اوراق و اسناد مذکور یا

تنظیم صورت مجلسی به صاحبان آنها تحویل داده می‌شود و نسخه‌ای از آن به قائم مقام مزبور تحویل می‌گردد.

ماده ۱۴۰- وزارت دادگستری باید ظرف یک سال از لازم الاجرا شدن این قانون نسبت به ایجاد کانون‌های استانی اقدام نماید.

ماده ۱۴۱- علاوه بر آیین‌نامه‌های خاصی که در سایر مواد این قانون پیش‌بینی شده است، آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن به وسیله وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد. اصلاحات بعدی نیز بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

تبصره- تا زمانی که آیین‌نامه اجرایی این قانون به تصویب نرسیده است آیین‌نامه‌های اجرایی موجود معتبر است.

ماده ۱۴۲- ظرف یک سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، مرکز مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه نسبت به انتقال پرونده وکلایی که پروانه دریافت نموده‌اند به کانون استانی محل پذیرش اقدام خواهند نمود. در خصوص اموال منقول و غیرمنقول و وجوه وکلای مربوط به مرکز امور مشاوران، نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضاییه نسبت به انتقال اموال حاصل از وجوه دریافتی از مرکز مشاوران که به نام قوه قضاییه می‌باشد به کانون اقدام می‌نماید.

ماده ۱۴۳- تأسیس و ثبت هر نوع تشکیلاتی تحت عنوان موسسه یا شرکت حقوقی، مشاوره که برای انجام امور وکالت و مشاوره حقوقی تشکیل می‌شود تنها توسط دو یا چند وکیل امکان پذیر است. موسسات یا شرکت‌های موجود باید ظرف یک سال از تصویب این قانون، خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند و الا منحل شده تلقی خواهند شد.

ماده ۱۴۴- وکلای تعلیق شده و منفصل و کسانی که فاقد پروانه وکالت باشند از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت موضوع این قانون ممنوع می‌باشند. متخلف به مجازات غصب عنوان مقرر قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

ماده ۱۴۵- نظارت بر حسن اجرای این قانون بعهده وزیر دادگستری است. همچنین وزیر دادگستری موظف است سالانه گزارشی از فعالیت کانون وکلای را تهیه و به رئیس قوه قضاییه تقدیم نماید.

ماده ۱۴۶- از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵، لایحه قانونی استقلال وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵، ماده ششم از قانون متمم دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات- مصوب ۱۳۳۵ کمیسیون مشترک دادگستری- مجلسین، قانون تشکیل صندوق تعاون وکلای و تأمین هزینه‌های کانون وکلای دادگستری- مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۱، قانون اجازه وکالت دادگستری افسران قضایی لیسانسه حقوق بازنشسته نیروهای مسلح- مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸، قانون تشکیل صندوق حمایت وکلای و کارگشایان دادگستری- مصوب ۱۳۵۵/۱/۲۹، مواد (۳۱) و (۳۴) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری- مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۵، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری- مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ و ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه از جهت امور مربوط به تجویز صدور پروانه وکالت نسخ می‌گردد.